

تمامی اعمال مذکوره را مکرر بعمل آرد و اگر ممکن نباشد آنچنانچه
 از آن جمله میسر نشود سجا آرد و اگر ممکن باشد این دعا هم بخواند
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ آذَنْتَ بِهِ نَفْسِي وَكُلَّ قَاتِلٍ عَدَدْتَهُ
 فَعَدَّ عَمَلِي بِالْمَغْفِرَةِ وَفَاتَكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
 اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ
 بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمُنِي وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ
 عَنِّي عَنْ عَدَابِي وَإِنَّا مُخْتَاَجِرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ
 فَيَا مَنْ أَنَا مُخْتَاَجِرٌ إِلَى رَحْمَتِهِ أَنْ تَفْعَلْ
 بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ
 تُعَذِّبُنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتَ أَقْبَىٰ عَدْلِكَ
 وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ
 أَنْ تَحْمِنِي بَعْدَ إِذْ أَنْ بَدِئْتُ مِنْكَ لَا تَخَيِّبْ سَائِلَهُ
 وَلَا يَنْفَكْ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 مِنْ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَسُحْبِ اسْتَبْرَزْنِي جَارِي
 بِاسْتِدْوَرِي خُورِ اجَانِبِ كَعْبِهِ مَنُودِهِ اِيْنِ دَعَا جَوَانِدِ اللّٰهُمَّ
 اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَابْرِ وَفِدْتِيهِ وَ
 غُرْبَتِيهِ وَوَحْشَتِيهِ وَظَلْمَتِيهِ وَضَيْقِيهِ وَضَنْكِيهِ

اللهم

اللَّهُمَّ أَظْلَمَنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ
 إِلَّا ظِلُّكَ وَجُنَّ فَارِسٌ شَوْدِ بِأَيْمِينِ آيِدِ بَحَلِي كَهْ دَرِ اسْتِجَابِ سَعِي
 بَابِدِكِرِ وِسْ بِاِشْتِهْ نَبَايِ خُوْرِ اِبْرِيْهٖ اَوَّلِ اَزْ صَفَا چِسْپَانِيْهٖ
 نِيْتِ كَنْدِ كِهْ سَعِي سِيَانِ صَفَا وِ مَرُوْهٖ سَكِيْنَمِ حَبِيْتِ اَنْكِهٖ وَاجِبِ
 اسْتِ قَرِيْبِيْ اِلَى الشَّرُوْبِيْ فَا صِلْهُ رُوَانِهٖ مَرُوْهٖ شُوُوْ وِ دَرِ
 اِثْنَايِ سَعِي اِيْنِ دَعَا بِنُوَانِدِ لِيْسِيْهِ اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ
 وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
 وَاسْرِحْ وَتَجَبَّ وَشَرَعْنَا تَقْلَمُ اَنْتَ اَنْتَ الْاَعْرَبُ
 الْاَجَلُ الْاَكْرَمُ يَا ذَا الْمُنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ
 وَالتَّعْمَانِ وَالْجُودِ وَاغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ اِنَّهٗ
 لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ وَدَرِ سَعِيْ چِهَارِ اَمْرِ وَاجِبِ
 اَنْدِ اَوَّلِ نِيْتِ دُوْمِ اِسْتِبْرَا اِزْ اَيْمِيْنِ كُوْهٖ صَفَا سَتِيْمِ
 خْتَمِ سَعِيْ تَا مَرُوْهٖ چِهَارِ مِ دَرِ سَعِيْ سِفِيْتِ شُوْطِ مِيْ بَابِدِرِ فِتْنِ
 ذِهَابِ بِيْكَ شُوْطِ هَيْتِ وِ بَرِيْگِشْتِيْنِ شُوْطِ دِيْگِرِ وِ شُوْطِ سِفِيْتِيْ بَرِ مَرُوْهٖ
 خْتَمِ شُوُوْ وِ چِهَارِ اَمْرِ حَتْبِ اَنْدِ اَوَّلِ پِيَا دِهٖ بَا شُدِ اِگِرِ سُوَا رِ
 بَا شُدِ لِسَبَبِ عَذْرِ وِ غَيْرِهٖ جَائِزِ اسْتِ دُوِيْمِ اِنْ كِهٖ مَشْتِيْ كَنْدِ
 بَرِ هِرْدِ وِ كِنَا رِهٖ سَعِيْ بَعِيْنِيْ اِزْ اِسْتِبْرَايِ صَفَا چِهَارِ دَرِ حَبْرِ

بالارود و همچنین هرگاه بمرده رسد پس بالای درجا نشین
 هم صعود کند و لکن واجب همین قدر است که چون از صفا
 بمرده رسد خیال کند که سنگتشان پاپزینه اول مرده رساند و از مرده
 جانب صفا پاشند پاپزینه اول مرده ملصق سازد و این
 قاعده که بهر شوط مرعی وارد و سیم هروله کردن در میان کوه چه
 مناره و عطاران خواه سوار باشد یا پیاده و هروله عبارت
 است از تندر فتن بشرط آنکه گام را از زیاده از ستارفت
 نه بردارد و بعضی فقهاء محتاطین تحریر فرموده اند که مثل
 و دیدن شتر بدو و چنانکه در میان عوام مشهور است استخفاف
 سوکد در باب مردان است نه برای زنان بلکه بعضی علما
 قائل شده اند که اگر هروله را سهوا ترک کند رحمت فیهی
 نماید و هروله را بجا آورد چهارم خواندن ادعیه مانوره در
 حالات مشغی هروله و بد آنکه جایز است که در میان سعی کردن
 برای آسایش و آرام قدری بنشیند بالای صفا خواه
 بالای مرده و باز سعی کند و اگر تواند سعی اول که این
 صفا بمرده است چون بمرده رسد بالای مرده رود و بقا
 کعبه ایستاده ادعیه که بر بالای صفا خواند اینچنان نیز بخواند

و در سعی کردن ملحوظ باید داشت که زیاده از سهفت شوط و کمتر
 از آن نشود و مسئله اگر در میان سعی وقت فرضه تنگ
 شود قطع سعی کند و نماز بخواند و آن باقی مانده را تمام کند
 اگر سابقا از نصف تجاوز کرده بود و الا سعی را از سر گیرد
 علی الاحوط مسئله هرگاه عدد شوط را بیاورد و باز
 از سر گیرد و کسیکه در سعی خود سهواً ترک شوطی کرده باشد واجب
 است بر آن وقتیکه یاد آید آن شوط را بجای آورد و اگر در
 لید خود رفته باشد باز آمده اتمام کند و اگر ممکن نشود مراجعت
 پس نائبی معین کنند

در بیان احکام متعلق بمنی بعد از عاودت
 وقتیکه حاجی از مناسک حج در که بر روز عید قربان فارغ شود
 مثل طواف زیارت سعی و طواف نسا پس واجب است
 که در مقام منی بیاید و بیوتت کند در شب یازدهم و دوازدهم
 بلکه در شب یازدهم و نیز در بعضی صورتها هر شب بعد از غروب
 آفتاب نیت کند که بر روزی آورم این شب را در منی پس
 حج اسلام که حج تمتع است بجهت آنکه واجب است قریب
 الی الله و واجب است که در هر روز می حجرت نشسته کند

موافق قاعده مذکوره بالا و وقت رمی از طلوع شمس تا
 غروب است و در شب رمی جایز نیست مگر بسبب خوف
 و عذر مرض و غیره و اگر رمی یک روز را سهو کردی باید که
 روز دیگر بجز آن روز مستحب است که آنچه رمی قضا شده
 است آن را قبل از زوال بجا آوردی غیر قضا را
 بعد از زوال بکنند و مستحب است که نمازهای واجبی و سنتی
 را در سجده خیف کند و افضل مواضع سجده خیف از نماز است
 که در میان سجده است تا سی درعه از جانب قبله از زمین یسا
 و چون خواهد از منی کوچ کند سنت است که شش رکعت
 نماز سنتی در اصل صومعه مسجد بکند و سنت است که در منی
 چند تکبیر گوید بلکه احوط است چه بعضی بوجوب قائل شده
 اند و قیامت است **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**
اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَكَرَهُ الْحَمْدُ عَلَيْنَا
أُولَانَا وَسَرَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ بدانکه جائز
 است برای شخصی که از مناسک مکه فارغ شده باشد
 که هر جا که خواهد برود از منی برود نیز و هم با عبدان کسیکه
 ذمه او رکنی از ارکان حج باقی ماند باشد واجب است

که بکجه برود در بیان عصمه بدانکه عمره بر دو قسم است
 عمره تمتع و عمره مفزوه پس هرگاه کسی بخواد که عمره تمتع بکند
 پس می باید اولاً احرام از مسقیات معین به بند و بعد از آن
 داخل مسجد الحرام شود و بطریقیکه سابقاً مذکور شد مثلاً از
 باب بنی شیبه داخل شود و در پیش در ایستاده سلام و اذعان کند که مذکور شد
 بخواند و بعد داخل شدن مسجد الحرام طواف خانه کعبه بطریقیکه بالا مذکور شد
 بجا آورد و چنین نیت که طواف عمره تمتع میکنم واجب قرینه الی الله بعد طواف و درست نماز
 به نیت و خوب بخواند بعد از آن سعی کند در میان صفا و مطهر
 به نیت سعی عمره بعد از آن تقصیر بکند یعنی چیزی از ناخن
 پایا از ناخن دست بگیرد یا سوی بدن از آن کند اگر چه سبب باشد
 خواه بمقراض خواه بکندن خواه بنوره و جائز نیست تراشیدن
 تمام موهای سر اما تراشیدن بعضی جائز است و نیت تقصیر
 چنین کند که تقصیر میکنم در عمره تمتع جهت آنکه واجب است
 قرینه الی الله متصل نیت مشغول به تقصیر شود و بعد از آن
 تقصیر علال میشود بر او آنچه که بر او حرام شده بود به احرام
 و شرائط واجب عمره مثل شرائط واجب حج اند و با وجود نیت
 شرائط در مدّة العمر یک مرتبه عمره واجب میشود و شش چیز

عمره تمتع واجب انداختن و احرام و طواف و دو رکعت نماز
 طواف و سعی و تقصیر و در عمره مفروضه علاوه بر اینها دو چیز دیگر
 واجب اند طواف نسا و دو رکعت نماز آن و عمره تمتع واجب
 است بر آنکس که ساکن مکه نبوده باشد بلکه منزلش بعید باشد
 از آن بشمار زده فرسخ چنانکه سابقا مذکور گردیده و این عمره تمتع
 در سوای ماه هاجج صحیح نیست اما عمره مفروضه برای ساکنین مکه
 است و در هر ماه میتوان کرد مگر افضل اینست که در ماه حرام
 باشد و عمره مفروضه در هر ماه مستحب است مگر در بهشت دو عمره
 کردن باین طور که فاصله درسیانی کم از ده روز باشد و در
 عمره مفروضه تقصیر و تراشیدن سوی سر هر دو جایز است

در بیان طواف و دعاء

چون خواهد که زیارت و دعاء کندیت چنین کند که طواف و دعاء که
 سینه سنت قرینه الی الله و طواف شروع نماید بقره لقیه که
 سابق نوشتیم و شکر خورا که بعبه بچیانند و دست چپ خورا
 بجز الا سو و گذارد و دست راست خورا از جانب ریحانه
 که بچیانند و بگوید الحمد لله صلی الله علی سیدنا
 و نبینا محمد و آله الصلوات علی عبدک

وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَجَمِيعِكَ بِمِنْهَا وَخَيْرَ تِلْكَ مِنْ
 خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا تَبَعُ رِسَالَاتِكَ وَجَاهِدَكَ
 فِي سَبِيلِكَ وَصَلِّعْ وَأَوْزِي فَيْتِكَ حَتَّى
 آتَاكَ الْيَقِينَ اللَّهُمَّ أَقْبِلْنِي مَقْبِلًا مُسْتَجَابًا
 مُسْتَجَابًا يَا بِأَنْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ
 وَفْدِكَ مُغْفِرًا وَأَلْبِرْكَ وَالرَّضْوَانِ وَ
 الْعَافِيَةِ بِمَا يَسَعُنِي أَنْ أَطْلُبَ فَاسْتَعْلِكَ
 أَنْ تُعْطِيَنِي مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَوْ فَضْلًا
 مِنْ عِنْدِكَ تُرِيدُنِي عَلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ
 آمَنْتَنِي فَأَغْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْبَبْتَنِي فَاسْرُكْ قَوْلِيهِ
 مِنْ قَائِلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
 زِيَارَتِهِ بَيْتِكَ اللَّهُمَّ إِنْ عَمِدَكَ وَابْنُ
 عَمِدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى ذَاتِكَ
 وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَذْخَلْتَنِي
 حَرَمَكَ وَأَمْنَكَ وَقَدْ كَانَ مِنْ حُسْنِ
 نَطْقِي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ
 غَفِرْتَ لِي ذُنُوبِي فَأَرَادَ دَعَايَ رِاضًا

وَفَرَّجَ لِي الْبَيْتَ وَوَلَّفَنِي وَلَا تَبَا عَيْنِ لِي وَإِنْ
 كُنْتُ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمَنْ إِلَّا أَنْ فَأَعْمِرْ لِي
 قَبْلَ أَنْ تَتَأَمَّرَ عَنِّي بَيْتِكَ دَارِي وَهَذَا
 أَوْ أَنْ أَنْصِرَ فَإِنْ كُنْتُ أَذِيْتُ لِي
 غَيْرَ رَاعِي عَنكَ وَلَا عَنِّي بَيْتِكَ وَلَا
 مُتَبَدِّلِي بِكَ وَلَا إِلَهًا حَقُّنِي
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَ مِنْ خَلْفِي وَعَنِّي يَمِينِي وَ
 عَنِّي شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا
 بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَأَلْفِنِي مَوْنَةً عِيَابًا وَ
 حِيَابًا فَإِنَّكَ وَ لِي ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَمِنِّي
 وَعَبْدَانِ طَوَانِ نَبِيٍّ وَجَاهِ زَمْرَمِ بِيَادِ وَ قَدْرِي إِزَانِ
 آبِ بَجُورِ وَوَجُونِ خَوَابِرِ كِه بِيرونِ رُودِ دَرِ حَالِ بِيرونِ
 رَفْتَنِ از مَسْجِدِ بَجُورِ ائِمُّونَ تَأْتِيونَ عَابِدُونَ
 لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا سِرَاحِيونَ
 إِلَى اللَّهِ رَاجِعُونَ ائِنشَاءَ اللَّهِ وَوَجُونِ خَوَابِرِ
 كِه از مَسْجِدِ اَكْسَرَامِ بِيرونِ آيدِ بِرَأْسَانِهِ دَرِ مَسْجِدِهِ سَجْدِ طَوِيلِ
 كَنِندِ وَبَجُورِ اَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي اَلْحَجْرَ وَ اَلْعَمْرَةَ

وَلَا تَجْعَلُوا آخِرَ الْعَهْدِ مَعِيَ وَانْتَهَيْتُمْ الْعَهْدَ لَكُمْ
 الْعَهْدَ حِينَ مِنْهُ بَرَّخْتُمْ وَرَوَّحْتُمْ كَعِبَادَةِ اللَّهِ
 إِنَّ أَنْفُسَكُمْ عَلَىٰ لِلَّهِ إِلَّا اللَّهُ وَنَسُوا مَا كَانُوا
 يَكْفُرُونَ خَرَابًا كَثِيرًا تَصَدَّقُ كُنْتُ كَمَا كُنْتُمْ
 تَقْضِيهِمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَمَا نَقَلْتُمُ الْمَالَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ يَخْرُجُونَ مِنْكُمْ وَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الْفَاسِقُونَ

در بیان تهنیت حاجی

وقتی که حاج از سفر مراجعت کنند سنت است که وقت
 ملاقات این بگوید چنانکه سیرت رسول خدا صلی الله
 علیه و آله وسلم بود که آن حضرت صای گفت بهر کسی که
 از حج آمده باشد قَبْلَ اللَّهِ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ
 نَفَقَتَكَ وَخَفَرَ ذُنُوبَكَ و از حاج معانقه کردن
 ثواب عظیم دارد چه از جناب امام جعفر صادق علیه
 السلام مرویست کسی که معانقه کند حاجی را چنان
 است که حج را سود را در بر گرفته و بوسیده باشد

فصل هفتم در اعمال محرم الحرام

آفتاب کسوف و خسوف پس در هر سال که در
 ماه محرم آفتاب بگیرد در آن سال ارزانی باشد و در آخر
 سال در و با و بیماری با در مردم ظاهر شود و پادشاه بر
 دشمنان ظفر باید و زلزله حادث شود بعد از آن سلامت
 باشند و در هر سال که درین شهر ماه بگیرد در زمین
 مغرب بزرگی بمیرد و میوه در بلاد جبل کم شود و در میان مردم
 خارش بدن بسیار باشد و در زمین بایل مردم بسیارند
 در و سرعاً جز شوند و زرخشاگران باشد و کسی که بر پادشاه
 خروج کند مغلوب گردد و لشکرش بقتل برسد

احکام عذرة محرم الحرام

پس بدانکه هر سال با اول ماه شنبه باشد در آن سال
 زمستان بسیار سرد بود و با در آن سال بسیار باشد و
 سیخ فراوان باشد و گندم گران باشد و طاعون و تب
 بسیار باشد و مرگ کودکان بسیار باشد و عسل کم باشد
 و دمل بسیار باشد و زراعت از آفت سلامت ماند
 و بعضی از درختان میوه و انگور را آفت رسد و در روم

حرب باشند و عرب با ایشان حرب کنند و اسیر و غنیمت بسیار
 از ایشان بدست عرب افتد و پادشاه را در هیچ امر طلب
 نباشد و نسبت حق سبحانه تعالی و دهر و ایت و گیر مرگ
 در میان چهار پاپان بهم رسد و اسپان را قویخ عارض شود
 و در میان مردمان آزار گلو و زکام و در مها و در و بل بسیار
 باشد و در همه بلد مرگ پیران و زنان بسیار باشد خصوصاً
 در عراق و بغداد و اطراف آن و در روم مرگ بسیار
 باشد و میان عرب و مردم روم کارزار افتد و عرب
 بر روم غالب آید و لغزت و امنیت در بابل بوده باشد
 و در نواحی بحرن اختلاف بسیار در میان مردم بدید آید
 و قحط غله درین سال بهم رسد و از عرب ترسان باشند و
 عمال نقدی کنند و گیاه در مراعی عرب بسیار باشد و در
 آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و پرایشان غالب آید
 و در آن سال و بل و آبله و گرمی بسیار باشد و مرغان بسیار
 شود و در عنق و گوشت و عسل و کتان گران باشد و خرما
 در درخت فاسد گردد و انگور و سیوه در بلاد هندوان
 و فارس بسیار باشد و به درختان بلاد روم و نصیب شده

و اطراف آن آفت رسد و میوه کم در اکثر بلاد گران باشد و
 کتخید بسیار باشد و در زرستان باران بسیار باشد و زراعت
 بسیار باشد و اندکی آفت که آنها رسد و ظروفت مسوق است شاه
 آن و چشم و مو گران باشد و مرغ خانگی کم باشد و مرغان شکاری
 بسیار باشد و در اصفهان و عراق اختلاف عظیم ظاهر گردد
 و شاید به نسبت و غارت منتهی شود و شاید یکی از آفتاب ماه
 منخفت گردد و شهب بسیار باشد و در یک ماه این سال
 خون بسیار ریخته شود و گویند چنین سال کس است و در
 چنین سال قایل و بلایل را کشت و آخرت نیک است
 و هر سال اول محرم در نر یکشنبه
 باشد زرستان نیکو گذر و باران بسیار شود و بعضی درختان
 و زراعتها آفت رسد و در بلای مختلف و مرگهای صعب
 شلیع شود و غسل کم بعل آید و طاعون و وبا به رسد و آخر
 سال باوشاه را غلبه رود و پروا بیت دیگر زرستان مرغ
 و تابستان معتدل گذرد و میوه از زراعت و حبوب در اکثر
 بلاد عراق نیکو و بسیار باشد و آفتی بمیوهای کجین و حساب
 قطف و حوالی آن برسد و در بلاد مشرق و بلاد جبل ارزانی

باشد و گو سفند و شیر بسیار باشد و گیاه صحرا بسیار باشد و درستان گران
 و دیوانگی و مستی بچهره سرد آبله که در کان بسیار باشد و زائیدن
 زنان بسیار دشوار باشد و در گاوهلوی بچهره سرد و در یک ماه
 مردمان را در و بسیار عارض شود و در آخر سال گرانی شود
 بسبب اختلاف سلاطین و در بلادین و بلاد هند اطفال
 بسیار بمیرند و جو و روغن بسیار شود و جنگ با در میان پادشاهان
 شود و همچنان اختلاف در میان عامه ناس بسیار باشد و
 کارزار در میان مردم عرب و عجم واقع شود و در میان مردم
 شام حرب و فتنه پدید آید و حاکم بعضی اهل مناد و قتل رسانند
 و در زمین جبل که همان دنو احمی آن باشد کشتش بسیار واقع
 شود و مرد بزرگ ایشان کشته شود و پادشاه بابل بر مردم
 مستولی گردد و او از وزیران ملک اختلاف ظاهر شود و گروهی
 بر پادشاه طغیان کنند و مغلوب گردند و کوهی از آسمان
 ظاهر گردد و در ناحیه مشرق باشد و دنباله داشته باشد این
 نشان گرانی و قتل و غارت باشد و این سبب علامت
 وزیدن بادهای سخت و و فورا امراض و بیماری و زوان
 در صحرا و دریا باشد و غسل گران شود و حاجیان را غارت

کنند و تمام ماه یا بعضی ازان بختگند که در سال که اول محرم
 میزد و بشنبه باشد زمستان نیکو گذرد و تابستان
 بسیار گرم باشد و باران در وقتش بسیار بار و گاه و گاه گوسفند
 بسیار بوجو آید و غسل بسیار باشد و نر خنما در بلاد جبل یعنی
 شهرهای آذربایجان و عراق خورستان و فارس و همدان
 اریزان باشد و میوه نیکو باشد و مرگ زنان بسیار باشد
 و در آخر سال کسی بر باد شاه خروج کند و در نواحی مشرق
 و بعضی از مردم فارس را غم و دلگیری بهم رسد و زکام در
 بلاد جبل بسیار باشد و بر وایت دیگر در آن سال آب
 فراوان باشد و شیر حیوانات افزون شود و باران بار و
 و خوب بسیار باشد خصوصاً عدس و باقلا و ماش و نر خنما
 اریزان شود و غسل فراوان باشد خصوصاً در فارس و
 همدان و در سهند و ننگ اریزان و ذره بسیار باشد و زرد
 آلو و سایر میوه بار در بلاد فارس و بصره و شام نیکو آید
 و خزیره و خیارات در ولایت مشرق و عمان نیکو باشد
 و درین سال خرباد میوه و گوشت و روغن فراوان باشد
 ولیکن بزرگم باشد و در ولایت مشرق و اطراف هند و

و اسکندر به سرگ بسیار باشد و مرض سودا و دیوانگی
 بسیار باشد و در زمستان زخافت و تزویج زنان بسیار
 شود و دریا طغیان کند و بعضی از مردم را غرق کند
 و آب فرات و نیل کم باشد و این سبب مدت دو ماه در
 مصر قحطی عظیم پدید آید و هوا شنی و چهار پایان را نیک
 باشد و زکام در بلخ و جبل و اطراف دریا بسیار باشد و خوب
 میوه در مکه معظمه بسیار شود اما بلخ و انزلی در آن بلبله
 طیبه بهرسد و در میان شلخ عرب فتنه حادث شود و
 خارجی از نواحی شرق بیرون آید و در بلاد فارس بهیم و
 هراس عظیم از بعض سلاطین حادث شود و قلعه در اطراف
 شرق یا جنوب از تصرف اصحابش بیرون رود و محتمل
 است که یکی از آفتاب و ماه منخفت گردد و مردم اضطراب
 پدید آید و گندم در طرف گران باشد و بر پادشاه شرق
 کسی خروج کند و حاجیان سلامت پرورد و در شب زوی
 با ایشان برسد و آسیبی از آن بیایند و هر سال که
 اول محرم در نسه استنبه باشد زمستان
 بسیار سرد باشد و در بلاد جبل و ناحیه شرق عمل گویند

بسیار باشند و بعضی از درختان و انگور آفت رسد و در مشرق
 و شام حادثه در آسمان ظاهر شود که از آن خلاق بسیار بپسند و کسی
 بر پادشاه مشرق خروج کند و پادشاه بر او غالب آید و در
 زمین فارس بعضی از آفتها بر زراعت برسد و در آخر سال زرخما
 گران شود و بر آیت دیگر زراعت بسیار لعل آید و باران بسیار
 بار و فصل پائیز نیکو گذرد و در بلخ و جبل میوه و تنب بسیار باشد
 و گندم وجود عدس فراوان باشد و خرما کم لعل آید و بعضی را آفت
 برسد و در بلخ و سندوستان و روم و شام درختان را آفت رسد
 از سر ما و در بلخ و فارس طبع بر زراعت رسد و میوه با درین سال بسیار
 باشد و زرخما و جمیع ملبا در زمان باشد و پنبه گران باشد و عمل
 فراوان باشد و فایز را آفت برسد و شکار و ری بسیار باشد
 و آفت سماوی نبلات مغرب برسد و بعضی از شهرها حادثه
 ظاهر شود و میان پادشاه عجم و اهل عراق قتال پدید آید و سحی
 از مشرق مغرب کشته شود و در میان عرب آخر سال مرگی بهم رسد
 و در آسمان ستاره دنباله داری پدید آید که علامت جنگ و
 گرانی باشد یا سرخی عظیم ظاهر شود که علامت مرگ بعضی از
 وزرا باشد و در مصر و شام فتنه بهم رسد و هر سال که اول محرم

سینه با کس
 ملاحظه بفرمایید
 مرحوم

در پنج سال شنبه باشد زستان او طرباشد و بارانها
 نافع باشد و غلات و میوهها و بلاد مشرق بسیار باشد اما مردمان
 بسیار بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد جبل آفتی
 بمروم رسد و در خنایان شود و پادشاه بر دشمنان غالب آید
 و پروایت بگرسد درین سال بسیار باشد و آب در بلاد طنیان
 کند و در بلاد شام مرگ بسیار باشد و اکثر اطفال بمیرند و ملخ
 مزروعات اهل شام را تلف کند و در آخر سال قحطی در میان
 ایشان بمیرسد و باران درین سال بسیار باشد که خانهها و عمارت
 منهدم گردد و در خنایان خرابی ضایع شود و در عدد برق عظیم ظاهر
 شود و بادهای تشد بوزد و بیماری بسیار باشد و زنان بسیار
 بمیرند و در آخر سال در ناحیه فارس مرگ بسیار باشد و در
 صحرا و مردمان شکاری بسیار باشند و بیخ و شراب و معاملات بسیار
 واقع شوند و در اشتران آزاری بمیرسد و شاید مرگی در چهار یا
 پدید آید و در فصل بائیز بیماری بسیار باشد و در اطراف مدینه
 جنگ عظیم رود و مشک و علما بسیار بمیرند و بلاد سین از
 خوف قتل و فارت خراب شود و باز معمور گردد و بادهای شمال
 بوزد و ستاهما و پنبه گران شود و کتان از زمان باشد و ابریشم

در هر بار زلزله شود و در میان عرب و عجم جنگها رود و عجم غالب
 شود و پادشاه روم بمیرد و بزرگی از عرب بمیرد و مردم دیالیه نیز
 بسیار بمیرند و در فصل پاییز حرب بسیار باشد و اختلاف در میان
 سلاطین هند واقع شود و فتنه بمدر بصره و ولایت فارس حادث
 شود و هر سال که اول محرم روز پنجشنبه باشد زمستان بلائیم
 گذرد و در نواحی مشرق گندم و میوهها و عسل بسیار باشد و در آخر سال
 تب بسیار حادث شود و مردم روم بر مسلمانان غلبه کنند
 و عرب بر ایشان غالب شود و در زمین هند محاربات واقع
 شود و پادشاهان عرب بظفر باشند و تبر و ایت دیگر در اول
 سال نابریق و سرما کم باشد و ابر و مدی باران بسیار باشد
 و در آخر سال باران بسیار شود و غلات و میوهها در همه بلاد
 باشد و سفر نکو باشد و لشکارا مایه بسیار باشد
 و در عنج کتان گران باشد و آب نیل طغیان کند و مردم مسلمانان
 حمله آورند و مسلمانان بر ایشان غالب شوند و در یاد جنگ
 بسیار شود و شاید که یکی از مشایخ ایشان کشته شود و بعضی
 از شهر کسی بر پادشاه خروج کند و ستمم گردد و کارزار در
 اکثر بلاد و خصوصا در فارس بسیار شود و فزوان و راهزنان دست

برآوردند و حکام بر رعایا غالب شده ستم کنند و با دلمی باشند
 بوزو و درختان را برکنند و در کجا و قطیف و نواحی آن فتنه
 سیان عرب و پادشاه ایشان حادث شود و پادشاه غالب
 آید و در بلاد حبشه و اطراف آن کارزار بسیار شود و در بلاد فارس
 در آخر سال میان سه طائفه فتنهای بزرگ حادث شود و
 فساد بسیار باین سبب ظاهر شود و مرگ کودکان درین سال بسیار
 شود و گو سفندان بسیار شوند و شاید ماه نخست گردد و پادشاه
 و گریه حاکم قسطنطنیه که مراد اسلا ببول باشد او را بکشند و با یکدیگر
 و منفق و الاثر شود و یا او را خلع نمایند و در ولایت عجم خرابی رود و
 از ظلم پادشاه یا حکام و زور در میان مردم کم باشد و خلق از
 تنگی معاش بفرمان آیند و اوری از میان بر طرف شود
 و عرب بر عجم زیادتی کند و خلق بسیاری را بکشند و ولایت
 ایشان را خراب کنند و عربان بر رویان تجاوزند و بعضی
 اماکن را از تصرف ایشان بیرون نمایند و پادشاه عجم در
 اکثر جا مغلوب شود و باران در وسط سال بسیار بود و اما
 نفع نمیدد و در عدد و برق بسیار باشد و از همه اطراف پادشاه
 بیرون آیند خصوصاً طائفه ترکان خوارزم و از سمت قطب

شمالی حرکت کنند و سجاول فریادند و خرابی بسیار بطبرستان
 رسانند و ترکمان بجمع در آویزند و برایشان غلبه آورند و خلق
 بسیار از فقر و رعیت بائمال شوند و احتمال دارد که این سال یا
 سال آینده پادشاه عجم در سمت مشرق بجزکت آید و جمعی بدوی
 با او راه یابد و در عرض راه حادثه او را عارض شود که مرتبه
 توقف کند و امراء خراسان و سائر بلاد تالان باشند و احتمال
 میرود که لشکر عجم در عراق و هند اسان جسیع شوند و در
 اول سال گندم گران و نان عزیز شود و در یافتن طلا کینند و اضطراب
 عظیم بابل عمان راه یابد و اکثر ولایت دریا خراب شود و تقبل و
 غارت و کشتیها در بعض جاها بدست والی ایشان افتد و بان
 راهلی یابند و این علامت بر و باری پادشاه باشد و غلبه
 صاحبان خروج باشد و امیر حلیل القدری کشته شود و فوت
 علماء بسیار باشد و در میان طائفه عراق حدود نزاع بسیار
 شود و اگر آفتاب کسوف کند دلیل آنست که بعضی اماکن از تصرف
 و البیان اسلام بدر رود و هر سال که اول محرم روز جمعه
 باشد در زمستان سرما نباشد و کمی باران باشد و آب رود
 خانه کم باشد و در بلاد جبل صد فرسخ غله کم باشد و مرگ رسیان

همه مردم بسیار باشد و در ناحیه مغرب گران باشد و بعضی از
درختان آفت برسد و روم را بر فارس غلبه عظیم برسد و
بر وایت دیگر غلات در مصر و شام و حبشه کم باشد و گران
در بلاد مغرب و فزنگ حادث شود و ارزانی در بلاد فارس
باشد و غلات بصره و عراق نیکو باشد ولیکن از سلاطین و
عمال ستمها با ایشان برسد و غلات در جبل عامل و نواحی
آن نیکو عمل آید و گندم و انگور در بصره و شام نیکو باشد و
مرو صاحب شانی در بصره کشته شود با گروه بسیار از اتباع او
و آب و حله سجده طغیان کند که بعضی از عمارات بغداد را
خراب کند و پادشاهی از پادشاهان بمیرد و در ماه ربیع الثانی
تا ماه جمادی الثانیه در ولای بسیار درین سال میان مردم
باشد خصوصاً در دگلو و پشت امراض تنگ و کلفت و جرب و
دلها بسیار باشد و زنان آبستن فرزندان را قتل کنند و بسیاری
از ایشان بمیرند و امیری از شام ظاهر شود و بر مدینه حضرت
رسول ص مستولی شود و بلخ بر بعضی از بلاد غالب شود و اگر
شماره دوم داری درین سال ظاهر شود و دلیل فتنه عظیم است
و کسی بر پادشاه خروج کند و گردان و عجمان قوی گردند

و در زمین عراق اختلاف بسیار ظاهر شود و وقتی بجایان
 برسد و مرد بزرگی در شام قتل رسد و در بلاد خراسان هفت
 عظیم ظاهر شود و در اطفال درو با پیدا شود و آب چشمه با
 بسیار باشد و الله عیلم تبک انکه این ماه از شهر حرم
 است و قتال و غارت درین ماه حرام گردیده بدین سبب
 او را محرم نامیده اند و در روز اول این ماه خداوند کریم دعا
 حضرت ذکریا علیه السلام را در باب فرزند مستجاب نمود از حضرت
 امام رضا علیه السلام منقول است که هر کس روز اول محرم روزه بگیرد
 و از خدا طلب فرزند کند یا هر حاجتی که خواهد طلب کند
 دعا او مستجاب گردد زیرا که درین روز حضرت ذکریا دعا
 کرد و از خدا طلب فرزند نمود و گفت رَبِّ هَبْ لِي مِنْ
 لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الدَّعَاءِ
 خدا دعا او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی علیه السلام را
 با وعطا فرمود و امر فرمود ملائکه را که نما کنند چنانکه فرموده فَتَدْعُوهُ
 الْمَلَائِكَةُ وَهِيَ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ اِنَّ اللَّهَ
 يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى و در روایت دیگر و روایت
 که در این علیه السلام درین روز داخل بهشت گردید دعای

وقت رویت هلال محرم سید بن طاووس رحمه الله
 در کتاب اقبال آورده که در وقت رویت هلال محرم احرام
 این دعا بخواند **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ**
رَبِّ وَرَبِّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدْ رَكَ فِي مَنَازِلِكَ
وَجَعَلَ آيَةً لِّلْعَالَمِينَ يَا هِيَ اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
اللَّهُمَّ آمِنًا عَلَيْنَا يَا آمِنًا وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ
وَالْإِسْلَامِ وَالْقِيَامَةِ وَالسُّرُورِ وَالْبَهْجَةِ وَتَثْبِتَانَا
عَلَى طَاعَتِكَ وَالْمَسَارَعَةِ فِيمَا يُرْضِيكَ اللَّهُمَّ
بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِكَ هَذَا وَاسْرُقْنَا خَيْرَهُ وَتَوَكَّلْنَا
وَيَمْنًا وَعَوْنَهُ وَقُوَّةً وَأَصْرَفْ عَنَّا شَرَّهُ وَبَلَاءَهُ
وَفِتْنَتَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و دیگر دعای
 مطلق الهی که سابقاً ذکر شد نیز بخواند و صاحب سنه
 که وارد است که این ماه را در آب جاری بینداید رویت
 آن روی زن باید نمود و بعضی بغير روزه گفته اند و برخی
 گفته اند که هر کس این ماه را بر سر طلا نهد نماید آب چهار
 هزار حج در نامه عملش ثبت شود و صاحب روضه الاذنکار